

دوهفته‌نامه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا؛ سال چهارم، شماره بیستم، خردادماه ۹۹  
ما در شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و سروش) : @KAFA\_FUMS (روی نام رسانه کلیک یا لمس کنید) / شماره تماس: ۰۹۳۷۹۲۳۵۶۱۶

## دو گانهٔ عشق و خشونت نتیجهٔ مذاکرات عین الاسد

تقد و بررسی فیلم سینمایی روز سوم ص ۷ دو یادداشت با موضوع صادرات بنزین به ونزوئلا ص ۲

# روح‌ت شاد جهادی!

محمد راضی، کارمند نمونه دانشگاه علوم پزشکی فسا و اسوهی اخلاق آسمانی شد. ص ۴ و ۵

## مسأله فرهنگ

در اندیشه امام و رهبری ص ۱۰

## سرنوشت تلخ مشاورین

## جوان هیأت رئیسه!

گزارش و مصاحبه‌ای با علی نعمتی پیرامون طرح

شکست خورده هیأت رئیسه جوان ص ۶

## داداش سامانه نوید!

سوزهای دانشجویی این هفته ص ۱۲

## شناسنامه

صاحب امتیاز: کانون کفا

مدیرمسئول: محمد راسخی

سردبیر: امیرحسین رحیمی

صفحه آرا: محمد راسخی

نویسندگان: مرتضی جوانمردی، امیرحسین

حسینی، سمانه دهقان، محمد محمدی

رابع، محمد راسخی، امیرحسین رحیمی،

سعید رحیمی، علیرضا رحیمی، محدثه

زینل‌نیا، فاطمه سعیدی‌زاده، فاطمه شریعتی،

علیرضا مروت، فاطمه نسیم، حجت‌الاسلام

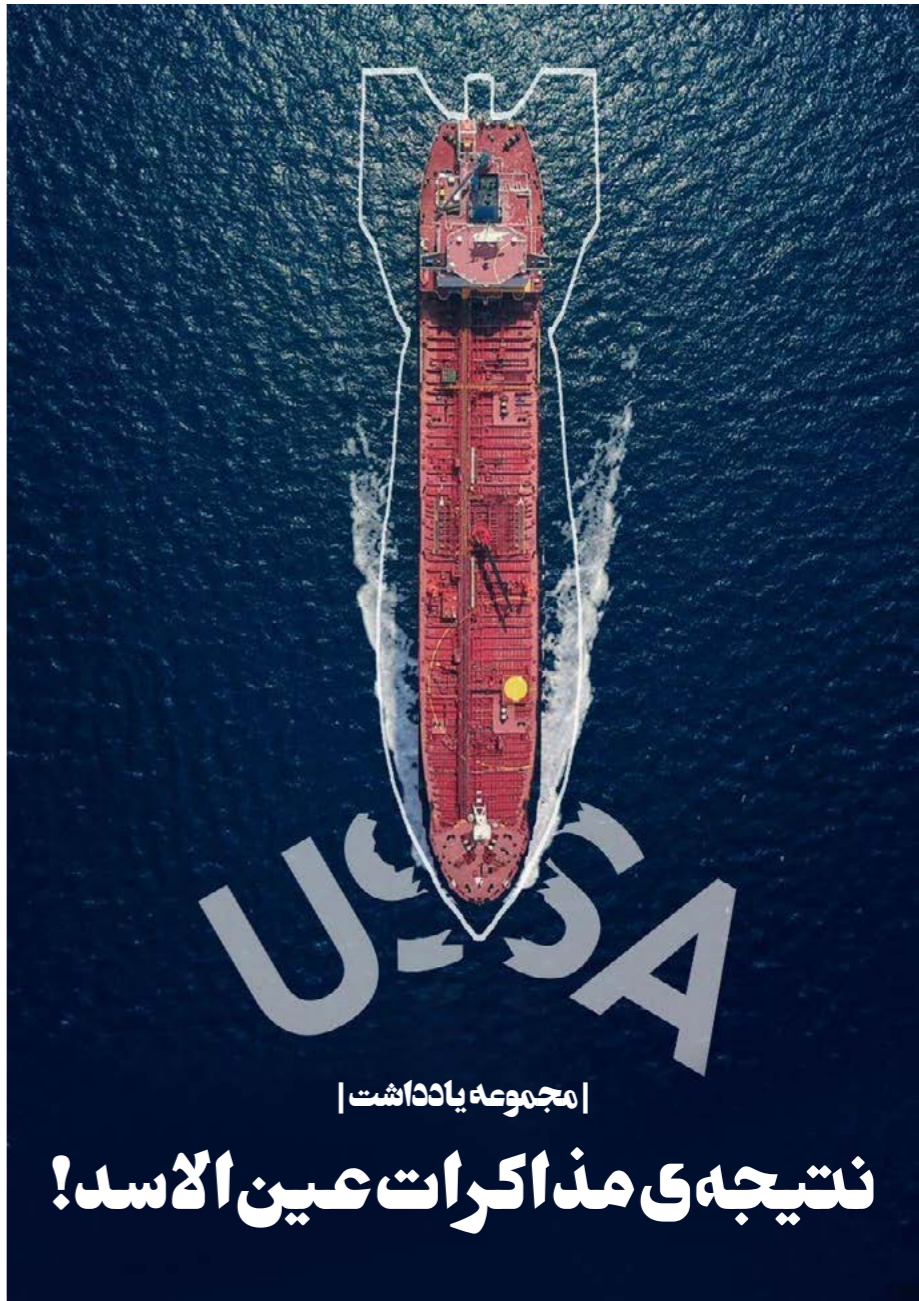
مهدی یعقوبی مسئول نهاد رهبری دانشگاه

علوم پزشکی فسا و حجت‌الاسلام حمیدرضا

دارابی، مسئول گروه جهادی حرکت‌المحرومین

نویسندگان دیگر: یک بنده خدا، سین.میم

با تشکر از: الهه استوار



| مجموعه یادداشت |

## نتیجه‌ی مذاکرات عین‌الاسد!

### توقفی به مثابه حرکت...

| فاطمه سعیدی‌زاده، پژوهش‌گر | ۹۶

"وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" (نساء، ۱۴۱)

چندی پیش پنج نفتکش ایرانی حاوی یک ونیم میلیون بشکه سوخت یکی پس از دیگری حرکت خود را به سمت آبهای آزاد اقیانوس اطلس و دریای کارائیب آغاز کردند.

ونزوئلا کشوری است که با توجه به تحریم‌های ایالت متحده چندینست با بحران شدید بنزین مواجه شده است.

با راه اندازی پالایشگاه ستاره خلیج فارس با ظرفیت تولید میلیون‌ها لیتر بنزین در روز، کشور در شرایط با ثباتی برای تولید این فرآورده قرار گرفته و ظرفیت خوبی برای صادرات آن ایجادشده است. **مطالعه بیشتر | ایسنا**

**خبرگزاری بلومبرگ** در نیویورک گزارش داده شرکت هواپیمایی ماهان پس از انتقال تاسیسات پالایشگاهی به ونزوئلا، نه تن طلا به ارزش پانصد میلیون دلار را وارد

مرزهای جمهوری اسلامی کرده است. (گرچه صدق این خبر از سمت **مقامات دولتی ایران** تایید نشده است اما آنچه مسلم است باز شدن خط صادرات ایران و تبادل

را توقیف نمیکردیم، امروز نمیتوانستیم خط ترانزیت صادرات خود را به چند صد کیلومتری واشنگتن گسترش دهیم.

حرکت نفتکش‌های ایرانی با وجود تهدیدهای ترامپ حاوی این پیام مهم و راهبردی است که **ایران، پس از ترور و شهادت سردار قاسم سلیمانی** از **مرزهای خاورمیانه فراتر رفته** و آنچه درحال رسیدن به ونزوئلاست پیش از آنکه بنزین باشد نماد غرور ملی و ثمره مقاومت و حاوی این پیام مهم است که وقتی ایران بعنوان یک قدرت نوظهور متحدان استراتژیک خود را تنها نمی‌گذارد پس تا انتهای مسیر حامی‌متحدان ایدئولوژیک خود باقی خواهد ماند.

اما درآخر براساس موازنه جدید قدرت، باید در ذهن دشمنان حک شود که **حرکت آزادانه در آب‌های بین‌المللی بخشی از حقوق مسلم هر ملتی در مالکیت و حاکمیت بر دارایی‌هایش است** و اراده‌ای که برآمده از ایمان باشد بر هر قدرت پوشالی غالب است...

## # Gracias \_ iran

| **علیرضا رحیمی، پژوهش‌گر** | ۹۶

خبر کوتاه‌ست و غرورآفرین: «نفتکش‌های ایرانی یک به یک در سواحل کاراکاس پهلو میگیرند.»

ایران و ونزوئلا در باب مقاومت مؤلفه‌های مشترکی دارند. هر دو، روزی شاهد استعمار و استثمار از جانب آمریکا و دولت‌های غربی بوده اند، هر دو، ذلت و له شدن هویت را برنتابیده‌اند و هر دو تمام‌قد در برابر استکبار ایستاده‌اند.

ریشه فروش بنزین و مواد اولیه پالایشگاهی به ونزوئلا را باید در یک دهه پیش و نقطه‌ای جست و جو کرد که آمریکا با خیال واهی به صفر رساندن بنزین در ایران و در پی آن ایجاد نارضایتی و نهایتاً آشوب و اغتشاش، تحریم بنزینی ایران را کلید زد اما خوشبختانه آن زمان هنوز منطق سازش و مذاکره با کدخدا در ایران حاکم نشده نبود بلکه **منطق مقاومت هوشمندانه و شروع به تأسیس پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ایران را از مصرف‌کننده محض بنزین به تولیدکننده و صادرکننده بنزین تبدیل کرد.** همان

منطقی که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تأکید داشته‌اند که خام فروشی نفت نه تنها سودی برای ایران نخواهد داشت؛ بلکه در دراز مدت آسیب‌های جبران ناپذیری هم به کشور وارد خواهد کرد. از این رو بایستی نگاه ویژه‌ای به صنایع پالایشگاهی و پتروپالایشگاهی داشت. نگاهی که متأسفانه همواره از دید برخی مسئولین صاحب منصب در مقاطع مختلف پنهان بوده و نمونه بارز آن دوران وزارت آقای وزیر همیشه نفت است که در طول ۱۴ سال تکیه ایشان بر کرسی وزارت نفت هیچ پالایشگاهی بطور کامل به بهره برداری نرسیده و پروژه‌های پالایشگاهی همواره با حرکت لاکچستی همراه بوده است. متأسفانه این دیدگاه خام فروشی در دوران تحریم‌های نفتی هم ادامه پیدا کرده است که موجب محروم کردن کشور از ستاره‌های درخشانی همچون ستاره خلیج فارس بوده که به گفته مدیران آن میانگین سنی مهندسان این پالایشگاه تنها ۲۲ سال میباشد.

**طعم شیرین منطق مقاومت آنجا دوچندان میشود که با عبور مقتدرانه نفتکش‌های ایرانی با پرچم جمهوری اسلامی ایران (نه با کشتی‌ها و پرچم‌های اجاره‌ای!) از آب‌های تحت سیطره ارتش تروریستی آمریکا، قایق‌ها و کشتی‌های نظامی‌زدان دریایی کارائیب تنها می‌توانند از این عبور مقتدرانه سان ببینند و جهان شاهد مخابره پیام‌هایی دلنواز از جانب کشورهای باشد که نمیخواهند روزگارشان را با بیم از قدرت‌های پوشالی و زانو زدن در برابر امپریالیسم سر کنند اما هنوز هستند افراد و رسانه‌هایی که گوش‌هایشان فقط عادت به شنیدن تحقیر و زبان و قلمشان عادت به همراهی با تریبون‌های استکبار دارد.**

هایلایت سبز رنگ به معنای محتوای آنلاین است. کلیک یا لمس کنید

## زندگی بزرگان | خاطرات یک چوپان

| **علیرضا مروت، پزشکی** | ۹۷

به سقف قیرگون با آنهمه ستاره‌های ریز و درشت و ماه شبهای کودکی روی پشت بام خانه محقر روستایی شان که خیره به او نگاه می‌کرد و انگار به سمتش شر می‌خورد یا گلّه را می‌دید و خودش را که دستی به زیر چانه گذاشته و به تک درخت تنهای میان دشت تکیه داده و ذهنش پر از سوالهای کودکانه است. چوپانی هنوز هم در نظر او مترادف واژه خدادوستی بود و مایه انس با طبیعت.

حالا اشک در چشمانش جمع شده بود و آن هفت حلقه فیلم را که از ورکانه، همدان تهیه شده بود در دست داشت. در کل زندگی‌ش هدیه‌ای به این ارزش در یاد نداشت.

آقای خبرنگار درست رو در رو و خیره با لبخندی عمیق و شوقی کودکانه نشسته و منتظر اولین جمله‌استاد، اما انگار استاد غرق در خیالی دور و دراز بود پس پرسید: "پروفیسور نمی‌خواهید مختصری از زندگیتان را برای من بازگو کنید؟"

این پرسش، توفیق موسیوند را از میان شب‌های کودکی و خاطره عید نوروز و پدر و مادر و خواهران بیرون کشید و به حال آورد، نشسته در دفترش در کلینیک پزشکی اتاوا. نفسی عمیق کشید، از کجا شروع می‌کرد؟ از چوپانی گلّه پدر یا مهندسی کشاورزی دانشگاه تهران، از بورسیه دانشجویی آلبرتای کانادا و ظرف شستن شبانه و یادگیری زبان یا مهاجرت به اوهایو کالیفرنیا، از رها نشدن از پرسش‌ها و رمز و رازهای عمیق درباره انسان و هستی یا کشیده شدن

به سمت تحصیل پزشکی وقتی سنش از چهل گذشته؟! میان این پرسش‌ها و خاطره‌ها گمشده بود که خبرنگار، غرق در توضیح استاد، پرسید: "چطور ایده اختراع قلب مصنوعی به ذهن شما رسید؟" این بار پاسخ دادن برایش آسان‌تر می‌نمود: "من بسیار انسان‌هایی را دیده ام که در سنین مختلف جوانی، نوجوانی، میان سالی و پیری دچار سکنه قلبی می‌شوند و می‌میرند. این جمله بسیار تلخ و سختی است هنگامی‌که دکتر می‌گوید که قلب شخص بیمار از کار افتاده است و دیگر به صورت طبیعی و خوب کار نمی‌کند و من بسیار بسیار متأثر و ناراحت می‌شوم و همین دلیلی شد تا به فکر یک راه حل برای این مشکل بزرگ باشم."

بعد از خداحافظی خبرنگار شبکه کانادایی دوباره غرق در خاطره‌هایی شد که گپ کودکانه اش در شبهای نآرام زندگی او را شاد می‌کرد. دوباره در فکر زادگاهش فرورفت. سال ۱۳۸۱، بعد از ۳۷ سال برای شرکت در همایش بین‌المللی بو علی سینا به ایران رفته بود آنجا از اشتیاقش برای بازگشت به وطن گفت؛ "آمده ام تا مسری به زادگاهم، ورکانه بنزم و گلّه گوسفندها را ببینم و به آسمان صاف و پر ستاره خیره بشوم و بار دیگر به سال‌های دور کودکی‌ام بازگردم و آن نقطه عزیمتی را ببایم که هرگز فراموشش نکرده و نمی‌کنم. راستش من با یاد کودکی آرامش پیدا می‌کنم. آنجا هم همیشه دنیال خاطراتی بوده ام که در دنیای مدرن



| **اندیشه** |

## مغزهای کوچک زنگ‌زده

| **علیرضا مروت، پزشکی** | ۹۷

می‌شود. شاید خواندن چند صفحه کتاب در طول روز چندان اثری روی حجم دانایی و آگاهی ما نگذارد اما وقتی همین عادت مثل بال زدن پرنده که مدام تکرار می‌شود، تداوم پیدا کند، ما را به مقصد می‌رساند که "دانایی تواناییست."، از نگاه علم عصب شناسی هم ثابت شده که حدود ۹۵ درصد فعالیت‌های ما ریشه در ناخودآگاه دارد، یعنی کارهایی که در طول زمان آنقدر تکرار شده که دیگر هربار به دلیلشان فکر نمی‌کنیم. [۱]

از علمای علم-یا در واقع شبه علم! - موفقیت و انگیزش، یاد گرفتن که عادت‌ها نه فقط کارهایی هستند که در ناخودآگاه ما رخنه کرده و بدون فکر آنها را انجام می‌دهیم. که همین کارهای به ظاهر ساده، مسیر زندگی ما را می‌سازند و به افکار ما جهت می‌دهند. شاید اثرشان را در ثانیه‌ها و روزها مان

شبهات و پرسش‌ها پدیدایشان می‌شد و من باید برای رسیدن



و پیچیده به من آرامش بدهد که آنها را در چوپانی و در همان شب‌های مهتابی می‌یافتم. چوپانی انسان را به اصل خود و خدا و طبیعت نزدیک می‌کند. "و از میلش برای ساخت بیمارستانی با هزینه شخصی و از رسالتش برای نجات همه انسان‌ها. بالاخره وقتی به روستا برگشت، در اندک مدتی دستی به ظاهر ورکانه کشید، خیابان‌ها را صاف کرد و پشت بام‌ها را چراغانی. حالا آرام و مطمئن به دیوار اتاقش نگاه می‌کرد، دیواری پر از قاب‌های بزرگ و کوچک، به پاس بیش از ۱۴۰ اختراع پزشکی و مقام‌های علمی و پژوهشی دانشگاه‌های مختلف.

به جواب، عرق روح می‌ریختم و غذای روح می‌خوردم. در احادیث معصومین هم چله گرفتن زیاد تکرار شده و فرموده اند که کاری را چهل روز انجام بدهید، یا انجام ندهید، شعاری شد؟! [۳]

از علمای همان علم یک مطلب دیگر هم یادگرفتم. اینکه به جای حذف یک عادت، روی جایگزین کردن عادت‌ها حساب باز کنم. اگر کسی عادت داشته که شبانه روز ۵ ساعت در اینستاگرام بچرخد، مسلماً خیلی سخت است که بخواهد به راحتی این عادت را کنار بگذارد و حتی اگر اپلیکیشن را حذف هم بکند چه بسا که در مقابل وسوسه نصب دوباره آن نتواند مقاومت کند. اما اگر همین عادت با مطالعه جایگزین شود خیلی راحت‌تر می‌شود به جنگ این غول سرگرمی‌رفت!

یک نکته دیگر که بنظرم می‌رسد این است که هیچ کس یک روزه تغییر نکرده. همان ضرب‌المثل معروف راه هفتاد ساله را نمی‌توان یک شبه پیمود. یک مسیر طی شده را می‌توان برگشت اما در راه نرفته نمی‌توان دوربرگردان زد.

برگردیم به آیه اول مطلب، خدا در قرآن گفته که هرکس در راه او تلاش کند، به مسیرهایش هدایت می‌شود. **از پیامبر خدا روایت شده که هرکس به آنچه می‌داند عمل کند، خدا دانش آنچه که نمی‌تواند بیاموزد را به او ارزانی می‌کند.** [۴] اگر همین کارهای ساده‌ای را که می‌دانیم درست انجام دهیم، رفته رفته راه برای کارهای بزرگتر باز می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عنکبوت/۶۹

۲. توصیه می‌کنم برای مطالعه بیشتر به کتاب "اثر مرکب"، نوشته دارن هاردی مراجعه کنید.

۳. جمله‌ای که ارمیا، شخصیت مذهبی- سنتی اول‌رمان بیوتن، هر بار که حرف‌هایی از جنس دین‌مداری و شعار می‌زند، به زبان می‌آورد.

۴. من عَلِمَ عَلِمًا أُمَّمَ اللَّهُ لَهُ أَجْرُهُ، وَمَنْ تَعَلَّمَ فَعَمِلَ عَلَّمَ اللَّهُ مَا لَمْ يَتَعَلَّمْ، الجامع الصغير: ج ۲ ص ۱۲۷ (۵۷۱۳۱)



# روح شاد جهانی!

محمد راضی، کارمند نمونه دانشگاه علوم پزشکی فسا و اسوهی اخلاق آسمانی شد



## ادل نوشته | آرامش

**محمد حسین گلستانی، علوم آزمایشگاهی ۹۶**  
یادمه اولین بار که مرحوم راضی رو دیدم به قدری لبخند روی چهره‌شون برام آرامش بخش و دوست‌داشتنی بود که از اون به بعد بارها به دلایل مختلف به دفترشون میرفتم که حتی شده فقط یک احوال‌پرسی ساده کنم و اون آرامش رو دوباره بگیرم. ایشون مصداق واقعی آیات ابتدایی سوره مؤمنون بودند؛ خضوع و خشوع، تلاش در راه خدا برای کسب رضایت معبود حقیقی، اخلاق پسندیده، متانت و تیم‌نوازی از صفات بارز ایشون بود که همه ما ایشون رو تحسین می‌کردیم. امیدوارم راه ایشون توسط همه ما دنبال بشه. دل من که خیلی برای خنده‌ها و محبت‌های بی‌دریغ ایشون تنگ میشه. ان‌شاءالله با اولیاءالله همنشین باشم.



کلیک یا لمس کنید



فیلمی از حضور مرحوم راضی در زمان زلزله کرمانشاه



## زندگی‌نامه | یادداشت الگوی خدمت

**حجت‌الاسلام حمیدرضا دارابی، مسئول گروه جهادی حرکت‌المحرومین** به نام خدای جهادگران

محمد راضی در سال ۱۳۵۳ در خانواده‌ای معتقد به اصول دینی و از نظر مالی متوسط دیده به جهان گشود. او تحصیلات ابتدایی تا دیپلم را در روستای صحرارود گذراند و بعد از آن به خدمت سربازی رفت. وی پس از آن که شغل‌های متعددی را امتحان کرد در نهایت در سنن بیست و اندی سالگی به استخدام حراست بیمارستان شریعتی و سپس حراست دانشگاه علوم پزشکی شهرستان فسا در آمد و بعد از اینکه در میان همکاران خود به امین بودن و راستی و درستی معروف شد مسئولین وقت، پست تدارکات و پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی را به وی سپردند که تا آخرین لحظه به بهترین نحو این پست را اداره کرد.

محمد از همان سنن نوجوانی به ورزش علاقه‌ی شدیدی داشت که با راهنمایی مربیان، کاراته را از همان سنن آغاز نموده بود که الحق و الانصاف خیل شاگردان مؤدب و با اخلاقی را تحویل جامعه‌ی ورزشی شهرستان و کشور داده بود. بارها با او که صحبت می‌کردم، از بین حرف هایش متوجه می‌شدم که باشگاه ورزشی

بیشتر بهانه بود و محمد در اصل به فکر کار تربیتی و فرهنگی روی سنن نوجوان و حتی نونهال بود، علاوه بر این بچه‌هایی که خانوادگی ضعیفی داشتند را، چه از نظر مالی و چه از نظر فرهنگی، شناسایی می‌کرد و زیر نظر می‌گرفت، ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها وقت می‌گذاشت تا آن نوجوان خدایی نکرده راه زندگی را اشتباه نرود، به همین خاطر بود که در زمان شیوع بیماری کرونا چنان تشییع جنازه‌ی با شکوهی برگزار شد که بی‌سابقه بود؛ پیر و جوان و زن و مرد گریه می‌کردند.

یکی از اهداف بلندمدتی که گروه جهادی حرکت‌المحرومین برای مجموعه خود تعریف کرده، این است که علاوه بر محرومیت‌زدایی در شهر و استان خود، در جای جای ایران عزیزمان محرومیت‌زدایی می‌کند، در طول سال در شهرستان و استان محرومیت‌زدایی انجام می‌دهد و در ایام عید و تابستان به استان‌های محروم سفر می‌کند و در آنجا این کار را انجام می‌دهد. اگر خدای نکرده اتفاقی برای کشور عزیزمان می‌افتاد و یا حادثه‌ای پیش می‌آمد، گروه جهادی حرکت‌المحرومین از اولین گروه‌هایی است که برای خدمت به هم وطنان و کمک به آسیب دیدگان به منطقه اعزام می‌شوند. محمد آقا وصف گروه جهادی حرکت‌المحرومین را شنیده بود در نوروز ۹۵\_۹۶ که قصد عزیمت به سیستان و بلوچستان داشتیم با وجود اینکه لیست افراد تکمیل شده بود محمد با اصرار زیاد با ما آمد و با از خود گذشتگی‌های زیادی که از خود نشان داد در سالهای بعد حتی عضو اصلی شورای مرکزی گروه جهادی حرکت‌المحرومین شد و خدمات و یادگاری‌های مادی

و معنوی زیادی در جای جای ایران عزیزمان به جای گذاشت که اگر بخوایم یک نمونه مثال بزیم زلزله‌ی کرمانشاه بود که محمد آقا مسئولیت اکیپ عمرانی را به عهده گرفت. همان موقع به یاد دارم که فرماندهی وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کرمانشاه آمده بود و وصف روستایی که گروه جهادی حرکت‌المحرومین در آن مشغول بودند را شنیده بود که بچه‌های گروه گل کاشته بودند. ایشان به آنجا آمدند و آن روستا به عنوان روستای نمونه شناخته شد. بچه‌های عمرانی در آن روستا ظرف سه هفته هفتاد حمام و سرویس بهداشتی ساختند، یعنی برای تمامی مردم آن روستا و تقریباً تمامی مردم روستا را اسکان دادند که این رازهون تلاش‌های اکیپ عمرانی با مدیریت جهادی مرحوم آقای محمد راضی بودیم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

برای حقیر محمد آقا یک الگوی خدمت و اخلاق است. از نظر بنده او همانند شهدای زندگی کرد و مثل شهدا از دنیا رفت. برای بنده محمد آقا شهید است که شهادت به تیر و ترکش خوردن نیست. و در آخر از خداوند متعال می‌خواهم با صلاح و مصلحت خودش هر چه سریع‌تر مرا به رفیق شهید و عزیز خویش برساند و عاجزانه و ملتسانانه از محمد آقا می‌خوام به حرمت کنار هم بودن‌ها در لحظات سختی و به حق آن تلاش‌ها و بی‌خوابی‌ها و روزه‌ها و اشک‌هایی که با هم برای فقیر و گرفتاری مردم ریختیم و به احترام اشک آن یتیم‌هایی که برایشان خانه و سرپناه ساختیم مرا هم شفاعت کند و به خیل شهدا برساند.



## ادل نوشته | آماده‌ای؟!

تا اونجایی که یادم هست آشنایی من و محمدآقا برمیگرده به یه اردوی جهادی که قرار بود با هم بریم و آخرش هم توفیق نشد، و ازون موقع بود که تا مدتی وقتی همدیگه رو می‌دیدیم محمدآقا با حالت شوخی جدی طوری میگفت: آماده‌ای، ما حرکتیم.

**سعید رحیمی، پزشکی ۹۶**  
به نام خدایی که صلاح بندگان‌ش رو بهتر می‌دونه و بندگان‌ش رو به وسیله هم امتحان می‌کنه. مثلاً امتحان شدن در نبود و فراق یک دوست یک برادر.



کوتاه مسجد و ساختمان اداری. یه چندباری هم برای مقدمات سفر کربلا مزاحمش شدم، و برادرانه هم کمکم کرد، به بار هم بهم گفت رفتی کربلا به نیابت از من دو رکعت نماز بخون. محمد آقا من که نرفتم ولی اگر رفتم حتما روی چشم، راستی از حالا که تو خونه نشستم وقتی به لحظه‌ای فکر میکنم که قراره پیام دانشگاه و نینتم خاطرآم زرده میشه. دعامون کن کاکا... یاعلی مدد.



## حکایت بخشش حاکم



در باب اول حکایت ۱۸ از گلستان سعدی از شاهزاده‌ی توانگری سخن می‌گوید که با سخاوتمندی از خزانه‌ی خود ثروت و مال فراوان بین مردم تقسیم میکند و همین موضوع خشم یکی از وزرای نااهل را در پی دارد که پادشاه را هشدار می‌دهد که دست از ثروتمند کردن مردم و پخش مال خود بردار که اگر جنگی در پیش باشد و دشمنان در کمین از مقابله با آنان باز می‌مانی.

و در اینجاست که سعدی از زبان پادشاه سخن بسیار لطیف و قابل تامل و قابل استفاده برای تمامی دوران‌ها را به زبان می‌آورد که من پادشاه این ملک شدم تا به مردم ببخشم و آن‌ها بتوانند در آسایش و رفاه زندگی بگذرانند و اگر جنگی پیش آید خود مردم به یاری خواهند شتافت.

### متن حکایت:

ملک‌زاده‌ی گنج فراوان از پدر میراث یافت. دست کرم برگشاد و داد سخاوت پداد و نعمت بی دریغ بر سپاه و رعیت بریخت.

نیاساید مشام از طلبه‌ی عود بر آتش نه که چون عنبر بیوید بزرگی پایست بخشندگی کن که دانه تا نیفشانی نروید

یکی از جلسای بی تدبیر نصیحتش آغاز کرد که ملوک پیشین مر این نعمت را به سعی اندوخته اند و برای مصلحتی نهاده دست از این حرکت کوتاه کن که واقعه‌ها در پیش است و دشمنان از پس نباید که وقت حاجت فرومانی.

اگر گنجی کنی بر عامیان پخش رسد هر کدخدایی را برنجی چرا نستانی از هر یک جوی سیم؟ که گسرد آید توراً هروقت گنجی

ملک روی ازین سخن بهم آورد و مر او را زجر فرمود و گفت: «مرا خداوند تعالی مالک این مملکت گردانیده است تا بخورم و ببخشم نه پاسبان که نگاه دارم.»

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت و شین روان نمرد که نام نکو گذاشت



## داستانک | به قلم خدا

امیرحسین حسینی، پزشکی ۱۹۶

تیک/ تاک/ تیک/ تاک/...

تنها جنبش عقربه‌های ساعت، تنهایی سکوت را می‌شکست؛

در آن حجم محصور ۳۶ متر مکعبی.

پلک‌های سنگینش کنار رفت و حلقه‌ی مردمک چشمانش را به صفحه مدور ساعت دیواری، دوخت؛ درست مثل یک تونل مستقیم، با دو انتهای روشن.

باز شب شده بود؛

شب‌هایی که به ناچار بیدار می‌ماند؛ یعنی بیدار نگهش می‌داشتند، افکاری که هیاهوی حضورشان، مجالی برای جولان صداها باقی نمی‌گذاشت، تیک‌تاک ساعت که سهل است! گاهی حتی صدای نفس کشیدن‌ها هم در میان آن هیاهو هیچ می‌شد.

چند سالی می‌شد که هر روز حدود ۸ صبح شاید ۱۰ دقیقه زودتر شاید دیرتر در دفتر کارش حاضر میشد و تا ۲ عصر درگیر کاغذ و پرینتر و امضا و استمپ بود؛ روزمرگی است دیگر، خودتان بهتر می‌دانید.

مثل همیشه روز کاری تمام شد.

بعد از صرف ناهار پشت میز ناهار خوری وسط آشپزخانه از آنجا لحظه‌ای به قاب عکس پدر و مادر آویخته شده به دیوار پذیرایی خانه خیره شد.

ایستاد. دلش تنگ شد. به اتاقش رفت. خسته بود؛ خوابش برد.

همچنان که عقربه‌ها دقیقاً ۸ و ۵ دقیقه شب را نشان می‌دادند، گذر هر ثانیه لحظه‌ای را به خاطرهای پیوند می‌داد.

آسمان امشب پُر ابر است، گویی این پرده‌های پنبه‌ای پشت به زمین ایستاده‌اند و به تنهایی به تماشای اجرام اعماق آسمان‌ها نشستند.

نگاهش را به سوی کتابخانه‌اش می‌چرخاند، کتاب‌های قدیمی و جدید، قطور و نازک، ادبی و تاریخی، فلسفی و روانشناسی، علمی داستانی؛ همه بهم تکیه داده‌اند و آخرین کتاب هر دیف به حاشیه چوبی کتابخانه تکیه کرده.

یکی را برمی‌دارد و کاغذنشانیگر را از لابلای

آخرین صفحاتش بیرون می‌کشد؛ با جان و دل محو واژه‌های سازنده نظریات فلان قانون بهمان نظریه‌پرداز می‌شود، اما هر پاراگراف که جلوتر می‌رود باز همان صداها سر و کله شان پیدا می‌شود.

جان از این واژه‌ها به لیش می‌رسد، گلویش با خواندن هر خط فشرده‌تر می‌شود، و ذهنش، میدان نبرد می‌شود، بیراهه نزدیک‌تر می‌کند، چالش پشت

دیگر کلافه شده بود، اما ناامید نه، رمقی نداشت اما دست از جست و جو بر نماند. چالش بزرگ رهایی بخشند. دیگر کلافه شده بود، اما ناامید نه، رمقی نداشت اما دست از جست و جو بر نماند. چالش بزرگ رهایی بخشند.

مگر می‌شود جوینده باشی و نیایی؟ در اتاق را باز کرد، چند ثانیه بعد در حال تماشای عکس مادر، خاطره‌ای ناگهان، مانند یک صاعقه در شبی تاریک، دنیای وجودش را روشن ساخت. یک یادگاری!

تمرکز می‌کرد. با اوج دقت در اعماق اقیانوس منطقش فرو می‌رفت، دریای فکرش مثل آسمان امشب کدر بود، این پنبه‌ها باید حلاجی شوند...

هر کتاب جدید، ریشه یک نهال در ضمیر او می‌شد، رشد می‌کرد و پر برگ می‌شد، درختانی که میوه نمی‌دادند یا آفت پوکشان کرده بود...

صفحاتی که مانند یک دریاچه نمک، خشکی‌اش را در وسعت دشت تشنه اندیشه می‌گستراند...

تکه‌های پازلی که هرگز کنار هم قرار نمی‌گرفتند...

برای بار چندم بود که مانند کودکی گم شده در بازاری شلوغ، حیران و سرگشته، راه می‌رفت و نگاه می‌کرد، اما نه اطراف را، فقط محو همان ردیف‌های چوبی پُر شده از کتاب شده بود، موجوداتی که در آن لحظه همگی زبان درآورده بودند و واژه‌های ریز و درشت خود را به سیل حافظه شلیک می‌کردند.

گهگاهی تکه‌ای از این لباس نرم آسمان‌کنده می‌شد و از پس آن، تک ستاره‌ای چشمک می‌زد. از پنجره رو برگرداند و به چند تا از آن موجودات زبان دراز روی میز چشم دوخت.

ترکیب چراها و چگونگی‌ها و چند و چون ها؛ با شایدها و احتمالاها و اما و اگرها؛ درخشش ماه را ببیند.

## کارشناسانماه | تشابهات دوبه دیده!

## کرونا و کاری نو!!

درمورد ارتباط واژه انگلیسی chemistry

یا همان «شیمی» خودمان و واژه فارسی «کیمیا» (آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند) احتمالاً شنیده اید؛ گمان می‌کنم پشت یکی از کتب شیمی دبیرستان زمان ما نیز مطلبی در این باره نوشته شده بود. از این دست ارتباطها بین زبان‌های گوناگون دنیا که نشان از یویایی زبان دارد نمونه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد؛ در این مطلب، با کسب اجازه از محضر استاد رائفی پور شما را با ارتباطی بین دو واژه جدید و پر کاربرد در ماه‌های اخیر آشنا خواهیم کرد.

برخی کارشناسان زبان فارسی اخیراً مدعی کشف ارتباطهایی بین نام ویروس کم خطر «کرونا»\* و تشریه پرخطر «کاری نو» شدند؛ این کارشناسان معتقدند وجه شبه‌های زیادی بین این دو واژه یافت می‌شود اما نمی‌توان دقیقاً گفت کدام یک ریشه دیگری بوده است.

برخی تشابهاتی که کارشناسان مذکور ذکر کرده اند به اختصار در ادامه به استحضار خوانندگان عزیز خواهد رسید:



محمد محمدی رایج؛ پژوهشگر و کارشناس کل مسائل  
\*این متن در اوایل دوران کرونایی نوشته شد، دورانی که کرونا تنها ۲ درصد مرگ و میر داشت؛ کرونا هم کرونای قدیم! هعبی \*\*شوخا است؛ مسئولان جدی نگیرند!



### شعرا

سعید رحیمی، پزشکی ۱۹۶

ریشم با مهر است در کردم روئیده بوج  
خوب بچا داس را بردی فرو با من!



## شعر سپید | فاطمه شریعتی، بهداشت ۱۹۵

## صاحب سبک دیوانه

قلم در دست و  
حرفی از دلم، بالا نمی‌آید  
چه کاغذها  
که باید پر شود از من  
از این احساس بی‌پایان  
از این شیدای بی‌هجران  
از این چشمی که یک  
منظومه را در خویش، می‌بلعد.  
دو قوسِ گرد، اندر حفره‌ی  
چشم  
که از دنیا برای من، بسی  
پیغام‌های پر ثمر دارد...  
چه جوهرها که می‌خشکد  
برای حرف ناگفته...  
قلم در دست و اما  
مانده در دل، حرف‌هایش  
بسی اُسوه  
نه دل‌داری  
نه استادی  
نه حتی جمله‌ی نابی  
دلم یک شعر می‌خواهد  
که گوید حال این دوران  
ناطق را...  
کند نوش دلم را با نوایش گرم  
و احوالاتِ حالم را به سازش،  
همچو یک درزی میان پبله‌ی  
یک تازه‌پروانه  
و یا همچو آئیدی که می‌تابد  
مدام از اوج، بر ایوان یک  
خانه  
آری منم، صاحب‌سبک  
دیوانه  
شوم مست و  
شود حک بر همه تاریخ، نام  
من به صاحب سبک دیوانه  
شوم آخر خودم من جمله‌ی  
عالم  
که درس عبرتی باشم  
برای هر کسی که  
نریزد جوهر دل را به دست  
خویش، در پیمان  
قلم در دست و جوهر  
خشک و  
حرف دل شده غمباد و  
ویرانه  
منم،  
آری منم، صاحب‌سبک  
دیوانه



### اشعرا

محمدته زینل‌نیا، بهداشت ۱۹۶

## توجه وارونه

وقتی کنار پنجره، تصمیم می‌گیری  
در ذهن تلخ خود، دو فنجان چای می‌نوشی  
گاهی دلت می‌گیرد از تنهایی گنجشک  
وقتی قفس، روح پریدن را در او میکشست  
هر کوچه بن‌بست و، هوای شهرمان ابریست  
هی می‌روی اما، تمام کوچه‌های شهر  
از بوی خون، بوی تعفنِ حالمان بد شد  
چشمانِ خود را، روی این دنیا که مینبندی  
وارونه‌های قلبِ خود را، دوست میداری  
افکارِ تلخ روح تو پایان نمی‌گیرد  
هی با خودت، هی با جهان کشتی نمی‌گیری  
از قصه های این و آن، درسی نمی‌گیری  
وقتی که باد از آشیانتش، خاک می‌سازد  
در آسمانِ قلب خود، بی‌باک می‌تازد  
از در، هم از دیوار رنگِ مرگ می‌ریزد  
هر بار در پای تو، مثنی سنگ می‌ریزد  
دنیا دگر جایی برای قاصدک‌ها نیست  
در زندگی دیگر برای ما دو تا جا نیست!  
تو می‌پری پایین، ولی تصمیم آخر نیست  
با درد خود، خو کرده‌ای، تسلیم آخر نیست!

# جایگاه و اهمیت مسأله فرهنگ در اندیشه

## مقدمه

مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی انسان که در سایه تلاش مشترک فکری و عملی در طول تاریخ حاصل شده و همچون میراثی برای نسل‌های بعد باقی مانده و هر نسل آن را کامل‌تر نموده و به نسل بعدی سپرده شده است.<sup>۱</sup>

مجموعه‌ای به هم پیوسته از دانش‌ها، آگاهی‌ها، تجربه‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنرها، ایستارها و مهارت‌های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است. بدون فرهنگ امکان ادامه زیست جامعه بشری وجود نخواهد داشت. با نگاهی ساختارمند به جوامع بشری و با توجه به تفاوت‌ها میتوان تعریف دیگری از فرهنگ به دست آورد: فرهنگ مجموعه کامل ممیزهای روحی، مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند و نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی انسانی، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و اعتقادات نیز می‌شوند.<sup>۲</sup>

پدیده‌ی کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر، و شیوه‌ی زندگی که در طی تجربه‌ی تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی؛ قاموس و لغت‌نامه؛ (در گفتگو) به معنی ادب، شعور یا تربیت اجتماعی؛ (در قدیم) به معنای علم و معرفت، عقل و خرد، تدبیر و چاره.<sup>۳</sup>

بنابراین فرهنگ مبنای بسیاری از اندیشه‌های معنوی بشری است و هرگونه سیر تحول فکری و تطور سیاسی اجتماعی را نزد جوامع مختلف، در بستر فرهنگ امکان‌پذیر است.<sup>۴</sup>

## اهمیت و جایگاه فرهنگ

**الف) در نگاه امام خمینی (ره) :** فرهنگ در نگاه بنیانگذار کبیرانقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) جایگاه مهمی دارد. ایشان در موارد متعدد به اهمیت و نقش زیربنایی فرهنگ تأکید می‌کردند. **فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. فرهنگ**

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. **استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد**، و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.<sup>۱</sup>

## تعریف فرهنگ

**تعریف لغوی:** واژه فرهنگ<sup>۲</sup> از دیرباز در متون کهن فارسی وجود داشته است. واژه «فرهنگ» مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف شده است.<sup>۳</sup> همچنین این واژه ترکیبی به معنای «بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد فرد و جامعه» است.<sup>۴</sup>

فرهنگ با همه گوناگونی و اختلاف در تعریف، در لغت به معنی: «دانش، حرفه، عمل، فنون، هنر، آموختن، به کاربستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل» به کار رفته است.<sup>۵</sup>

**تعریف اصطلاح:** همانند معنای لغوی، اصطلاح فرهنگ نیز به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است: فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریحی که به وسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده و منتشر می‌شود.<sup>۶</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳-۲۴۴، ۶۰/۶/۳۱، ۲۴۴	۲- معادل انگلیسی این کلمه culture است که به معنی زیر آمده است: The beliefs, way of life, art, and customs that are shared and accepted by people in a particular society. (Longman Dictionary); the act of	۳- ر.ک: فرهنگ معین، ذیل واژه فرهنگ	۴- ر.ک: علی سامی، نقش ایران	۵- ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳۹، ص ۲۲۷؛ علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۴، ص ۲۵۵۷؛ جنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، ص ۱۲-۱۵.	۶- ر. ک: محمود روح الامینی، مبانی انسان شناسی، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ جنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، ص ۱۸.	۷- فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۷.	۸- واژه نامه آزاد.	۹- فرهنگ نامه.	۱۰- فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۳۷.	۱۱- ر.ک. صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۳۰۶.	۱۲- همان، ج ۱۲، ص ۵۰، ۵۸/۱۰/۱۵.	۱۳- ر. ک: همان، ج ۱۷، ص ۳۲۳-۳۲۴.	۱۴- همان، ج ۷، ص ۴۷۳، ۵۸/۳/۳.	۱۵- همان؛ ج ۱۷، ص ۱۵۳.	۱۶- صحیفه امام، ج ۱، ص: ۳۹۰-۳۹۱.	۱۷- همان، ج ۳، ص ۳۰۶.	۱۸- همان، ج ۷، ص ۷۵.	۱۹- همان، ص ۴۳۰.	۲۰- همان، ج ۸، ص ۷۷.	۲۱- همان، ص ۸۸.
--	--	------------------------------------	-----------------------------	--	--	--	--------------------	----------------	---	----------------------------------	---------------------------------	----------------------------------	-------------------------------	------------------------	----------------------------------	-----------------------	----------------------	------------------	----------------------	-----------------

# اینفوگرافِ ا گفتمان معرفت

قسمت‌هایی از بیانات رهبری در دیدار رضائی رهبر انقلاب با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۲۸ / ۲ / ۱۳۹۹

فاطمه نسیم، بهداشت ۹۸ |

**۱) آینده متعلق به جوانان:** با توجه به فرمایشات اخیر ایشان، همه جوانان اعم از جوان دانشجو، جوان طلبه، جوان فارغ‌التحصیل و جوان شاغل مخاطب این بحث هستند. «این که ما اصرار داریم که با جوان‌ها حرف بزنی و بحث کنیم و از آنها بشنویم و چیزی به آنها عرض نکنیم، متأثر از یک پیش‌فرض قطعی است و آن پیش‌فرض این است که آینده در اختیار جوان‌ها و متعلق به این جوان‌ها است. شکی نیست که در آینده‌ی میان‌مدت، بعضاً در آینده‌ی کوتاه‌مدت، مسئولیت بسیاری از همین موضوعاتی را که امروز شما دارید مطرح می‌کنید، متوجه به شما جوان‌ها و مجموعه‌ی جوان‌هایی که امروز مخاطب این حرف‌ها هستند خواهد شد و مدیریت‌ها در اختیار آنها قرار خواهد گرفت و اداری کشور به دست آنها خواهد افتاد؛ در این تردیدی نیست و بحث با آنها برای ما بسیار مهم است هر کسی به آینده‌ی کشور علاقه‌مند است، ناگزیر بایستی به جوان‌ها کمک کند برای اینکه بتوانند این آینده را به بهترین وجهی ان‌شاء‌الله بسازند»

**۱) خودسازی فردی و اجتماعی:** توصیه اول ایشان به همه جوانان مسئله خودسازی است چه در زمینه فردی و چه جمعی، ایشان ماه مبارک رمضان را فرصت مناسبی برای این امر دانستند.

**۲) تقویت مبانی معرفتی و پرهیز از انفعال و انحراف:** «بحمدالله در جوانان خوشفکر مبانی معرفتی به خوبی تقویت شده است و در زمینه‌های مختلف فکر و کار می‌کنند. منتها محیط‌های جوان از جمله دانشگاه از قدیم آماج آسیب‌هایی بوده؛ از جمله دو آسیب بزرگ متوجه محیط‌های جوان بوده که این دو آسیب یکی انفعال است، یکی انحراف است. انفعال یعنی احساس دست بسته بودن، بی‌فایده بودن، ناامیدی در مقابل حوادث سخت که با تقویت معنویت بر طرف میشود. انحراف - انحراف فکری، انحراف در مبانی معرفتی - نیز با این توصیه برطرف میشود.» توصیه دیگر ایشان به جوانان آشناشدن با دعای بیستم صحیفه سجاده‌معروف به مکارم‌الاخلاق است.

**۳) اهمیت ادامه‌ی آرمان خواهی و مطالبه‌گری:** «جوانان! پرچم آرمان خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید. اگر آرمان خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید. مطالبه طبعاً با نوعی اعتراض همراه است. خب، بله مطالبه به معنای این است که یک نقصی وجود دارد و ما می‌خواهیم رفع آن نقص را مطالبه کنیم. اما نگذارید این مطالبه‌ی شما و اعتراض شما، اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است. نکته‌ی دوم اینکه پرچم مطالبه‌گری را اگر شما در دست داشته باشید، خوب است؛ اما اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید، کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست؛ بلکه هدفشان معارضه و مبارزه‌ی با اسلام و یا جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی است. این را نگذارید.»

## علت اصرار بر مخاطب قرار دادن جوانان

**۱) وجود عناصر ذی قیمت در طبیعت جوانی:** «بخش دیگر از منطق گفتگو با جوان‌ها هم عبارت است از نگاه به طبیعت جوانی. خب بنده همیشه این قضاوت را در مورد جوان‌ها دارم، طبیعت جوان، با امید، با ابتکار، با صراحت، با خطرپذیری، با خستگی‌ناپذیری همراه است و اینها برای اداری جامعه عناصر ذی قیمتی هستند؛ بخشی از مشکلات ما ناشی از خطرپذیر نبودن یا خسته شدن، یا عدم وجود ابتکار، یا عدم صراحت، یا ناامید بودن است؛ اینها در جوان‌ها نیست، لذاست که ما مایلیم با این مجموعه‌ی جوان که طبعاً دارای این طبیعت هستند، بیشتر گفتگو بشود و بحث بشود»

## چند توصیه

### به جوانان

**۴) انتقاد در کنار پیشنهاد و پرهیز از پرخاشگری:**

«مطالبه‌گری فقط انتقاد نیست، اعتراض نیست، اگر چه در آن، اعتراض هم وجود دارد.

انتقاد در کنار پیشنهاد؛ امروز البته پیشنهادهایی شد، خوب هم هست، بعضی از این پیشنهادها، پیشنهادهای قابل قبولی است؛ بعضی هم قابل بررسی است؛ لکن مجموعه‌ی جوانی که این سخن را می‌شنوند و در این

عرصه‌ها فعال هستند توجه کنند اینکه ما صرفاً انتقاد کنیم، صرفاً اعتراض کنیم، این کار را پیش نمی‌برد، ممکن است یک فواید کوچکی اول کار داشته باشد اما مطلقاً فایده‌ی جدی و ماندگاری ندارد؛ آنچه فایده دارد عبارت است از پیشنهاد. ضمناً خواهش من این است که مطالبه‌گری را با پرخاش و بدگویی همراه نکنید»

# تصویر متن حرکت

اینستاگرام استریپ

کاری نو  
قرنطینه

نرم افزار ویژه یادگیری دانشگاهی

## ورود به سامانه نوید

### دانشگاه علوم پزشکی فسا

مرا به یاد داشته باش  
 کلمه عبور را فراموش کردم

🔖
⋯
📍
💬
❤️

**۲x۵ نفر پسندیدن**

**کاری نو** نوید؛ فرصت‌ها و تهدیدها!

کامنت‌گردی

**فاطمه سعیدی زاده** تنها فایده نوید واسه دانشجویها تا امروز فقط بالا بردن سرعت کپی پیست بوده:

**fateme. saeedizd** حراست بفهمه دانشجویها با چه تیپی میان نوید خودش رو تو استخر اسید غرق میکنه...

**fateme. saeedizd. original** سامانه نوید چیزی نمیفهمیم انگار سر کلاس حضوری چیزی میفهمیدن...

**shimaaaaa** از آپشن‌های نوید همین بس که سر کلاس تفسیر موضوعی قرآن میشینیم لاک میزنیم...

**fateme@fums** خوبیش اینه که اگه دیر برسی نمیخواد ردیف جلو بشینی...

**یک عضو از هیئت تحریریه کاری نو که مدیکال استیودنت است** قبلا فضای مجازی رو میبردیم کلاس الان کلاس رو آوردیم تو فضای مجازی... این یعنی #ما\_میتوانیم

🟢
❤️
+
🔍
🏠

سمانه دهقان

نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر  
هر آن چه استاد مشفق بگویدت بپذیر  
مگوی از نت ضعیف و بی کفایت نوید  
که در کمین گو توست نمره استاد کبیر

محدثه زینل‌نیا

من دللم پرمیکشه یه بار دیگه حضوری برم سر کلاس

**داداش  
نوید**

**نوید**

نرم افزار ویژه یادگیری دانشگاهی

ورود به سامانه

محدثه زینل‌نیا

مرا چشمی است خون افشان زد دست آن کمان ابرو  
جهان بس فتنه خواهد دید از آن آمار صد پهلو



محدثه زینل‌نیا

با ماسک به آغوش خطر برگردیم 🤧

سمانه دهقان

خبر رسید که ای فامزبان مژده دهید  
روش‌های نوین پاکسازی ز راه رسید

فاطمه سعیدی زاده

ضد عفونی با جدیدترین متد روز

